

OCTOBER

۸۵

اکتبر

۲۳ فروردین ۱۳۸۵ ۱۲ آپریل ۲۰۰۶

دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (حماه سور)

سردبیر: عبدالله شریفی

اول مه در راه است، زنده باد اول مه! گفتگوی اکتبر با خالد حاج محمدی

ادامه دهند. میخواهند هر کارگر معترض و هر انسان آزادیخواهی را اگر بتوانند در بند کنند. اوین و گوهر دشت و زندانهای دیگرشان را میخواهند دوباره پر کنند. میخواهند هر نوع شکل کارگری و هر جمع و نهاد و انجمنی را که تا کنون به آنها تحمیل شده از راه بردارند. برکت جنگ و فضای جنگی قرار است برای جمهوری اسلامی اختناق و سکوت مرگبار برای بشریت باشد تا آقایان به راحتی کیسه هایشان به قیمت یک فلاکت بی سابقه مردم پر کنند. اول مه فرجه و امکاتی به کارگران و مردم میدهد که علیه این وضع ایستاد و

جنگی خواهد شد تا نه و سرانجام مسئله اتمی ایران و صف بندی که حول این مسئله و به بهانه این مسئله کشیده شده به کجا خواهد رسید، هم اکنون فضای جنگی تأثیرات خود را بر جامعه گذاشته است. دولت احمدی نژاد تلاش دارد از این فضا و به بهانه این اوضاع فضای اختناق را حاکم کند. میخواهند به این بهانه صدای هر اعتراضی را خفه کنند. میخواهند از این اوضاع برای فرستادن طبقه کارگر و مردم به خانه های خود بهر جویند. میخواهند سکوتی سنگین را بر ماحکم و به فقر و بی حقوقی بیسابقه ای که دامنگیر کارگران و اقشار محروم شده است



اکتبر: اول مه در راه است. اوضاع را چگونه میبینید. فکر میکنید کدام مسائل در این رابطه محوری هستند، جهت عمومی از نظر شما چیست؟

خالد حاج محمدی: مسئله اصلی این است که اول مه را امسال در اوضاع بخصوصی برگزار میکنیم. قلدری آمریکا و خطر جنگ به بهانه اتمی یک خطر واقعی است. خارج از اینکه

ابراز وجود گارد آزادی در شهر سنندج!

دفاع از آزادی و از زندگی و امنیت شما در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند. گروههای گارد آزادی را تشکیل دهید. به گارد آزادی بپیوندید.



واحدی از گارد آزادی روز جمعه 18 فروردین ماه 1385 در محلات چهار باغ، اکباتان و قسمتهایی از بلوار 28 دی (محله پیر محد سابق) شهر سنندج حضور پیدا کردند. آرم گارد آزادی را پخش کردند و در سطح وسیعی آن را بر روی دیوارهای محلات و خیابانهای این محلات زدند. گارد آزادی نیروی مسلح شما مردم کارگر و زحمتکش و آزادیخواه، نیروی دفاع از انسانیت، نیروی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی برابری! زنده باد جمهوری سوسیالیستی! کمیته فرماهدی و سازماندهی گارد آزادی

عبدالله دارابی 21 فروردین ماه 1385

یک پیروزی باشکوه! عباس رضایی

اما آیا این موضوع خواهد توانست که اعتراضات اخیر فرانسه را خاموش کند و یا با یک سازش از بالا یک بار دیگر معترضان را در فرانسه برای یک مدت دیگر به خانه بفرستد؟ بعد از تحمیل این عقب نشینی به دولت، طبقه کارگر فرانسه در

طبقه کارگر اراده کند می تواند اقتدار مختلف جامعه را بدنبال خود بکشد. اعتراضات اخیر فرانسه و عقب نشینی دولت مردان فرانسه نشان داد که قدرت انقلابی کارگران میتواند جامعه را به سمت منافع واقعی خود بچرخاند. اما این عقب نشینی دولت نمی تواند پایان این جنگ باشد! شکاف عمیق طبقاتی که در جامعه فرانسه بوجود آمده است و سنت اعتراضات خیابانی در فرانسه که هر چند گاهی خیابانهای فرانسه را در کنترل خود در میآورد، قابل انتظار است که در آینده این کشور را بسوی یک سری اعتراضات رادیکال پیش برد. انتظار می رود تمهیدات جدیدی جایگزین این قانون شود.

"روز دوشنبه، 10 آوریل، ژاک شیراک، رییس جمهوری، پس از ملاقات و مذاکره با مومینیک دو ویلین، نخست وزیر، نیکولاس سارگوزی، وزیر کشور و تعدادی از نمایندگان پارلمان که در گفتگو با اتحادیه های کارگری شرکت داشته اند، ضمن اعلام خبر لغو "قانون اولین استخدام" گفت که قانون جدیدی برای مقابله با مشکل بیکاری جوانان پیشنهاد خواهد شد." اعتراضات پیلپی کارگران و دانشجویان در فرانسه بالاخره دولت راست گرای فرانسه را وادار به عقب نشینی کرد. این حرکت و این تکان "غول خفته طبقه کارگر" نشان داد که هر گاه



صفحه ۳

شریک دزد...!

در حاشیه پلنوم هفتم حزب دمکرات کردستان ایران

حسین مرادبیگی (حماه سور)

در این شکی نیست که ناسیونالیسم کرد و قوم پرستان کرد در کردستان ایران در جنگ احتمالی آمریکا علیه ایران بادیان امید خود را به تویپهای ناوگان دولت آمریکا بسته اند. از هم اکنون خود را برای رئیس جمهور شدن و رئیس دولت شدن و میلیونر شدن از قبل لت و پار کردن و خانه خراب کردن مردم ایران و چنگ انداختن بر زندگی مردم کردستان ایران آماده کرده اند. اینها بخشی از دوستان و متحدین طبیعی دولت آمریکا در این ماجراجویی پلید هستند. امروز وقیحانه تر از همه دست بدمان هر مستخدم و مامور وزارت

خارج و سی آی او ارتش آمریکا برای جلب حمایت و برای گرفتن پول و امکانات شده و در نوبت ایستاده اند. عمر ایلخانی زاده یکی از مسئولین سازمان زحمتکشان در مصاحبه رادیویی اخیر خود با صدای آلمان در همین رابطه میگوید: "من فکر میکنم دولت آمریکا که در منطقه هست طبعاً با تمام احزاب و جریانات در ارتباط است و طبیعی است جریاناتی که طرف سکولاریسم و بنوعی طرف دمکراسی را میگیرند خواه ناخواه با آمریکا همسو تر خواهند

صفحه ۳

در صفحات دیگر خطر جدی است، جریانات قومی فاشیستی را باید افشا و منزوی کرد! دبیر جدید کمیته سنندج کمک های مالی به کمیته کردستان حزب حکمتیست گانگستر بازی موقوف!

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی بپیوندید!



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خیابان ببیند. اما از حالا تا آن روز و در فضای که ایجاد میشود فعالین و رهبران کارگری امکاتی برایشان ایجاد میشود که کارگران و مردم چشم به آنان خواهند دوخت. برای مردم مهم است که فعالین کارگری و کمونیستها چه میگویند و چه فکر میکنند. برای دانشجو و معلم و جوان و همه مهم است که فعالین و صاحب نظران این عرصه چه فکر میکنند. اینها خود بخشی از نیاز کارگر و بخشی از کاری است که بدون آن نمیتوان زیاد تاثیر گذاشت. فعالین کارگری و رهبران رادیکال و فعال این میدان و هر کس حرفی برای گفتن دارد و امری برای خود قائل است لازم است از این فرصت استفاده کند. جمع شدن و تبیین کردن آنها، قرار گذاشتنها و به توافق رسیدنها، همگی بخشی مهم از کار ما است. در هر کارخانه و فابریک و محله و شهری باید تلاش کرد فضای آنها را به این سمت سوق داد. جامعه را باید متوجه این روز و حق طلبی کارگر کرد. در و دیوار و کارخانه و مرکز کار و دانشگاه و مدرسه را باید پر از شعار و اطلاعیه و پوستر و هر چه داریم کرد. کارخانه و مدرسه و دانشگاه و خیابان را باید در این مناسبت به هم وصل کرد. شعارهای و مطالبات را از آزادی بیان تا آزادی تشکل و اوسانلو و هر خواست دیگری را باید همه جان نوشت. هزاران ابتکار مختلف را در همه جا میتوان بکار برد و مردم را جمع کرد. از سمنار و سخنرانی تا هر نوع تجمع کوچک و بزرگی و تا خود تجمعات روز کارگر همگی را میتوان پیش برد. کل اینها و دهها ابتکار دیگر بر نوش کارگران پیشرو و فعالین کمونیست و از جمله فعالین حزب حکمتیست نیز میباشد.



کارگران جهان متحد شوید! زنده باد اول ماه مه!

مذب کمونیست کارگری - حکمتیست
www.hekmatist.com

سناریوی سیاهی که به امید آن نشسته اند، به جان هم ببندازند. میخوانند جنگ و خونریزی قومی را به نام کرد و ترک و فارس و ... به کوچ و خیابانهای نطقه، اورمیبه، تهران و اهواز و دهها شهر دیگر بیورند. میخوانند ما مردم کارگر و زحمتکش جامعه به جان هم بیفتیم و علیه هم سنگر بندی کنیم تا آنان بتوانند به مقل و پستی برسند. باید اعلام کرد که طبقه کارگر ایجاد تفرق قومی و قومپرستی و بلزین در نفرت قومی را شنیدند محکوم میکند. راستش کلا فکر میکنم باید فعالین کارگری و رهبران کمونیست و رفقای ما همگی از همین الان شروع کنند و البته شروع هم کرده اند. مجموعه ای اقدامات از راه انداختن بحث کارگر و مطالبات کارگری، تا بحث در مورد مشکلات جنبش کارگری و راه پیشروی آن، بحث در مورد اوضاع وخیم اقتصادی و خطر جنگ و چه میشود کرد و دهها موضوع مهم دیگر را میتوان در موردشان صحبت کرد و به توافق رسید. کلا حرف این است که روز اول مه یک روز معین است و در این روز همه تلاش میکنند به

در مورد کردستان چند نکته را حال به عنوان ویژه گی یا هرچه لازم میدانم یادآوری کنم در کردستان اول مه به قول شما سنتی اجتماعی است و تلاش برای دخالت و شرکت هر نهاد و تشکل و انجمنی که به کارگر سمپاتی دارد مهم است. ما باید تلاش کنیم هر انسان شریف و آزاده ای را به خیابان بیاریم و در مراسمها شرکت دهیم. مدرسه و دانشگاه و هر جا مردم هستند را باید به شرکت در برنامه های اول مه دعوت کرد که البته همه اینها راستش در ابعاد سراسری صدق میکند. در کردستان مشخصا باید بر همسرنوشتی کارگران تاکید داشت. باید به همه اعلام کرد که کارگران یک سرنوشت دارند و هیچ تقسیمی مبنی بر ملی و زبانی و نژادی و ... بر نمیدارند. باید اعلام کرد که کردستان میدان عربده های فاشیستی و ناسیونالیستی نیست، که کردستان مکان قومپرستی و اشاعه تنفر قومی نیست. اینها را باید به روشنی به جامعه اعلام کرد. جریانات قومی تلاش دارند با امید به آمریکا و به نام کردیای تی کارگران و مردم را در دل

این مطالبات و قطعنامه و خواستها مهر شرایط کنونی را بر خود داشته باشد. آزادی بیان را قبلتر اشاره کردم و گفتم باید فضای جنگی را بشکنیم و در مقابل آن ایستاد. باید با صدای بلند اعلام کرد که آزادی بیان حق همه است. همزمان خواست آزادی تشکل یک امر مهم است. مبارزات سال گذشته کارگران و جنب و جوش راه افتاده حول تشکل کارگری، اهمیت این موضوع را بیش از هر زمان برجسته کرده است. و راستش تحرکی در این زمینه در جریان بوده است که مهم میباشد. امر تشکل و نیاز به آن و لزوم جمع شدن کارگران زیر سقفی از نان شب واجبتر است. در ضمن و همزمان آزادی اسانلو است که همه جا باید در تجمعات کارگری، در مراسمها و سخنرانیها و قطعنامه و مطالبات کارگران، باید طرح شود. منصور اسانلو باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شود یکی از شعارها و مطالبات اول مه باید کارگر زهر چشم بگیرد. اسانلو تبلور اعتراض کارگران شرکت واحد بوده و به همین جرم و همین دلیل میخوانند منزویش کنند. ما باید برای آزادی او و همه فعالین کارگری تلاش کنیم خواستههای زیادی را میتوان طرح کرد ولی مجموعه فکر میکنم در این اوضاع اینها را برجسته کنیم و حول آن متحدانه جمع شویم.

اکتبر: برگزاری مراسمهای اول ماه مه، در کردستان به سنتی اجتماعی مبدل شده است و هر ساله شاهد اقداماتی در این زمینه بوده ایم. آیا ویژگی خاصی را باید در کردستان در نظر داشت؟

خالد حاجی محمدی: فکر میکنم آنچه گفتم همه جا صدق میکند و همه جا باید تلاش کرد فعالین و رهبران کارگری متحدانه پای مراسمهای اول مه بروند.

اعلام کرد که تحملش نخواهیم کرد. مهمترین فاکتور در اول مه امسال ایجاد امکان به میدان آمدن وسیعترین توده کارگر و مردم در اعتراض به جهنمی است که ایجاد شده است. همه جا باید تلاش کرد توده هر چه بیشتر از کارگران را به میدان آورد.

اول مه فرصتی است که همه با هم دور هم جمع شویم و اعلام کنیم که کارگران همسرنوشتند، که فضای جنگی و ضد انسانی را تحمل نخواهیم کرد، که فقر و بی حقوقی را یک روز هم نخواهیم پذیرفت، که اجازه نخواهیم داد فضای اختناق و بگیر ببند را به بهانه جنگ بر ما حاکم کنند.

این کار ممکن نیست مگر با درک حیاتی بودن این اوضاع از جانب فعالین و رهبران کارگری، مگر با درک اهمیت اتحاد کارگر خارج از گرایشات مختلف درون آن میخوانم بگویم منفعت عمومی کارگران و مردم ایجاد میکند که همه با هم علیه این وضع به میدان بیاییم.

اکتبر: چه خواستهها و مطالباتی را در این روز باید طرح کرد، شعارهایی که شما فکر میکنید کارگران لازم است بدست گیرند، کدامند؟

خالد حاج محمدی: اول مه روز اعلام جرم کارگران علیه نظام سرمایه داری است. روز اعلام همسرنوشتی کارگران خارج از جنسیت، مذهب، ملیت و نژاد و ... است. در این روز طبقه کارگر به جامعه اعلام میکند که این وضع را نمیخواهد، که بردگی مزدی را نمیخواهد، که حقوق انسان جهانشمول است، که برابری و جامعه ای فارغ از فقر و بی حقوقی، جامعه ای برابر و آزاد را میخواهد. بدون تردید امسال نیز کارگران در مراسمهای خود، در سخنرانی فعالین کارگری و در قطعنامه های مراسمها خواستههای خود را طرح خواهند کرد و هر سال هم چنین کرده اند. امسال باید

دبیر جدید کمیته سندانج

با پیوستن اسد گلچینی به کمیته سندانج، مظفر محمدی تقاضا کرد که دبیری کمیته سندانج به اسد گلچینی و اگزار شود. این تقاضا و همزمان اعلام آمادگی اسد گلچینی برای این کار مورد موافقت هیئت اجرایی کمیته کردستان قرار گرفت. هیئت اجرایی کمیته کردستان ضمن آروزی موفقیت برای اسد گلچینی از تلاش خستگی ناپذیر شبانه روزی مظفر محمدی در این مدت برای پیشبرد وظایف کمیته سندانج قدردانی میکند. مظفر محمدی عضو کمیته سندانج باقی خواهد ماند.

حسین مرادیبگی (حما سور) دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

هر جمعه بین ساعت ۷ تا ۸ شب به وقت تهران از کانال یک پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

يك پيروى با شكوه از ص ۱

مقابل به پايد كرد آتى قرار ميگيرد. اين سوالى است كه بايد مردم معترض با فراخوان مجمع عمومى هاى خود جواب دهند. زيرا جواب اين راديكاليسمى كه در اعتراضات اخير فرانسه بود را ديگر نه احزاب شبه چپ فرانسه مى توانند بدهند نه اتحاديه هاى كارگرى فطرى. اما معترضان گامهاى را به جلو برداشته اند و با تشكيل "شوراي سراسرى مبارزه" در صدد متشكل كردن خود و خارج شدن از چهار چوب اتحاديه هاى فرمىستى هستند كه تا كنونى موفقيتهاى داشته اند. اميد است اين مبارزات و اين راديكاليسم اجازه ندهد كه مبارزات طبقه كارگر و دانشجويان پيشرو، قربانى مبارزات انتخابى جناحهاى چپ در انتخابات آينده شود. تشكيل "شوراي سراسرى مبارزه" و دور زدن اتحاديه هاى كارگرى فعلى مى تواند رمز عبور اين اعتراضات به يك تحول اساسى باشد. بى ترديد اين پيروى مسير پيشرويهائى آتى طبقه كارگر فرانسه و اروپا را در حد معينى هموار ساخت.

۱۱ اپريل ۲۰۰۶

اطلاعيه كميته سنج حزب حكمتيست به مناسبت اول ماه مه روز جهاني كارگران !

ميايستند. بارهائى كارگر كل جامعه رها ميشود. كارگران ميشتر آزادى و برابري براى همه آحاد جامعه هستند. هدف ما تغيير اين دنياى وارونه است. براى كارگران رنگ نژاد، قوميت، جنسيت معيار نيست. همه ما انسانيم و در سرنوشت همديگر شريك هستيم

مردم! براى شركت در جشن و مراسم روز كارگر با خود و خانواده هياتن آماده شويد.

اول مه يك روز و يك فرصت ديگر است تا به خودمان، به همه كارگران از اين گوشه شهر و كشور تا همه شهرها و كشورهاي جهان بگويم كه اگر توليد همه چيز و همه نعمت براى بشر دست ماست، چرا خود ما نبايد از بهره مندترين انسانها باشيم؟ خانواده هاى كارگرى از زن و مرد و پير و جوان و كوچك جشن كارگرى با شكوه اول مه را تدارك ببينيم و دست همديگر را بگيريم و بهم ببينيم و در مراسم و جشن كارگريمان در روز كارگر شركت كنيم مردم مبارز سنج!

زنان ، مردان، معلمان ، دانشجويان، كارمندان!

۱۱ ارديبهشت (اول مه) روز كارگر است. به جشن و مراسم كارگران برويد! كارگران توليد كننده همه نعمت بشرى هستند. چرخه هاى جامعه بدون كارگر

ارمغان مياورند، كارگرانى كه ساختن مدرن ترين وسايل كار و زنگى و خوشيختى و مسكن را بر عهده دارند خود از همه چيز محرومند و حتى نصف بيشرتمان به نان شب محتاجيم

جمع شويم تا به همديگر و به همگان بگويم كه اين زنگى قابل تحمل نيست. ديگر نبايد يك زنگى عدى، انساني و شايسته بشر را از ما دريغ كنند، ديگر نبايد كسى خود را مالك و صاحب جسم و روح و زنگى ما بكند، ديگر نبايد مرگ و زنگى ما را سرمايه داران تعيين كنند.

ما ميخواهيم بار ديگر چشمان همه انسانهاي جامعه را به اين حقيقت باز كنيم و به خاطرشان بياوريم كه دنيا و زنگى و ساز زنگى بدون ما كارگران ميميرد. كه خود ما سازنگان اين جامعه شايسته يك زنگى شاد، مرفه و انساني هستيم.

كارگران!
در سه دهه گذشته مراسم هاى روز جهاني كارگر در شهر سنج در اشكال مختلف برگزار شده است. در تملى اين سالها و در شرايط استبداد و خفقان پليسى صدائى از اديخواه و حق خواهى كارگران و انسانهاي برابري طلب در اجتماعات هزار ان نفرى بلند شده است. همچنين اين تجارب گرانيها، يك سنت كارگرى و سوسياليستى را در جنبش طبقه ما به ثبت رسانده است. در تداوم اين سنت اجتماعى كارگرى امسال نيز در تدارك هر چه با شكوه تر اول ماه مه شركت كنيد.

ما كارگران و خانواده هايمان، زن و مرد و كوچك و پير و جوان روز كارگر (اول مه) امسال جمع شويم و بار ديگر اعلام كنيم كه، كارگران اين انسانهايى كه جامعه را ميسازند، زنگى را ميسازند، رفاه را به

زنده باد همبستگى كارگرى!
زنده باد اول مه روز جهاني كارگر!
كميته سنج حزب حكمتيست
فروردين ۱۳۸۵

كمك هاى مالى به كميته كردستان حزب حكمتيست

كميته نروژ حزب ۸۰۰۰ كرون نروژ
پرشنگ خاتمى و محمد رهبر ۶۰۰ كرون نروژ
محمد على بهمنى ۴۰۰ كرون نروژ
كمك هاى ماهانه فرج شهابى ۵۰۰ كرون سوئد

مردم نشسته اند تا آنان را به مسيرى بيرند كه تنها استيصال، سرنوشت و آينده آنها و فرزندانشان باشد. از "از ايلام تا ماکو" و با "تركها عليه فاشيستم كرد" هيزم چنين توطئه كئيفى است. رهبرى حزب دمكرات به جاي عبرت گرفتن از گذشته، خود را در صدر نيروهاى سنارى سياه در ايران قرار داده است. ظاهرا تجمع كانگسترها و فاشيستهاى قومى بدور رهبرى حزب دمكرات، آخرين پله در تكامل اين حزب است؟ اين است درس گرفتن از جنگ نكته؟ صفوف اين حزب ميدانند كه اين رهبرى آنان را به كجايى برد؟

آلترناتيو مردم با نيروى مردم و به دست مردم و با بزير كشيدن جمهورى اسلامى توسط خود مردم و سازمان دادن دفاع در مقابل اوباش سياسى و نظامى و هر كس و هر جريانى كه بخواد خود را به زور بر اين مردم تحميل كند، ساخته ميشود.

"كنگره مليتهاى فدرال" است. مى نويسند: .. پلنوم به ضرورت توانمند كردن كنگره مليتهاى فدرال تاكيد كرد و بر اين باور بود كه كنگره مليتهاى فدرال چنانچه مورد حمايت و پشتيبانى واقع گردد، ميتواند آلترناتيوى مناسب براى رژيم باشد." همانجا كردستان 434.

واقع شهرهاى ماکو، زابل و اهواز گوشه اى از سيمای كويه فريليسم قومى و "بهشتى" را كه فريليست ها وعده آن را داده بودند، نشان داد. طاعون قومى از پس گرد و غبار عوام فرييانه اى كه فريليستها به نام تنشهاى ملي و زياتى حل نشده و "عدم تمرکز" برپا کرده بودند، ماهيت ويرانگر خود را نشان داد. همين به اندازه چند سال نقد آن ميتواند براى مردمى كه سالهاست در كنار هم زنگى ميكند، آموزنده باشد. "كنگره مليتهاى فدرال" تجمعى از اين گروهها و سكت هاى فاشيست قومى است كه از هم اکنون نطفه ميلاسوويچ ها، كارداجها، بيگويچها و توجمانهاى ايرانى را در دامن خود پرورده ميكنند. اينها كفتارها و اوباش قومى اى هستند كه در كمين

ندارد. رهبرى حزب دمكرات تا ديروز مشغول دادن چراغ سبز به ماموران اطلاعاتى همين رژيم جنائتكار بود. معلوم نيست همين الان هم نباشد. حاضر بود در ازاء يك نگاه "محبت آميز" سران جمهورى اسلامى، رژيم اسلامى را از هر جنائتى تيرنه كند. اگر جمهورى اسلامى "خونگردانى" را به حزب دمكرات ميداد، حاضر بودند ساختن بمب اتمش را هم ترز بگيرند. اين موضعگرى، فعلا حمايت رهبرى حزب دمكرات از آمريكا قبل از شروع جنگ است. در صورت شروع جنگ منظره ها به سرعت عوض خواهد شد.

مطمئن باشيد اين خوشرقصى ها از چشم مردم مخفى نمى ماند. مطمئن باشيد داغ ننگ دفاع از حمله نظامى دولت آمريكا به مردم ايران و خود را سهيم كردن در تحصيل سپاهچالى نظير عراق به مردم و جامعه ايران، بر پيشانى حزب دمكرات و امثال حزب دمكرات باقى خواهد ماند و در اين جا يگانه قرار خواهد گرفت.

نكته دوم حمايت اين پلنوم از

مسئوليت كرده است. مى نويسند: "با فرستادن پرونده اتمى رژيم به شوراي امنيت سازمان ملل متحد، پلنوم، جمهورى اسلامى را مسئول و مسيب هر گونه عكس العمل جهان عليه ايران دانست كه عواقب آن دامنگير مردم ميهنمان خواهد شد، رژيمى كه با ماهيت اعتنا شگرانه و فتنه انگيزانه اش به تهديدى جدى عليه صلح و امنيت جهان تبديل شده است." اطلاعيه پايانى پلنوم هفتم حدكا، كردستان شماره 434.

رهبرى حزب دمكرات ميخواهد هم شريك دزد باشد، هم دوست قافله! اين "كلكا" زيادى شناخته شده است. آدم بايد جنائتكار باشد كه حاضر شود روى لت و پار كردن مردم و انهدام شيرازه مننى يك جامعه سرمايه گزاري كند. كسى كه اين كار را ميكند ديگر فرق چندانى با كسانى كه بمب روى مردم ميدانازند ندارد تا بخواد حساب خود را از جمهورى اسلامى جدا سازد. لازم نيست جا نماز آب بكشيد. در مورد حكومت اسلامى نيز رهبرى حزب دمكرات پرونده چندان جالبى

شريك دزد ... از ص ۱
بود حتى بدون اينكه خودشان بخوانند." اين همسويى "به نوعى"، الحق كه براننده عمر ايلخانى زاده و امثال او و سازمان "خوشامشان" است.

اما در مورد پلنوم هفتم حزب دمكرات كردستان ايران، برگزار شده در 8 فرودين ماه 85. در اين مورد من به نو نكته كه ظاهرا از نظر رهبرى حزب دمكرات نيز در اين پلنوم برجسته بوده اند، اشاره ميكنم نكته اول، در مورد بحران فعلى و حمله نظامى احتمالى آمريكا عليه ايران رهبرى حزب دمكرات با قبول صورت مساله از آمريكا هم حمايت تلويحى خود را از حمله نظامى دولت آمريكا به ايران اعلام كرده است و هم به خيال خود "زنگى" كرده است و از هم اکنون از دولت آمريكا و از همه جرياناتى كه در اين جنگ خود را به متحد آمريكا ميدانند از جمله خود حزب دمكرات، در مقابل پيامدهاى هولناك ناشى از اين جنگ رفع

11 آوريل 2006

به حزب كمونيست كارگرى - حكمتيست بپيونديد!

خطر جدی است، جریانات قومی فاشیستی را باید افشا و منزوی کرد!



سعید یگانه

متن زیر خلاصه ای است از اطلاعاتی که مراسم، بخوانید و تعجب نکنید

«قیام تورکهای آذربایجان علیه فاشیسم کرد. ده هزار تن از اهالی محل ماکو و سلماس در مراسم تشیع جنازه شهدای ترک شرکت کردند. ظهر روز جمعه یازده فروردین نزدیک به ده هزار تن از اهالی ترک ماکو، سلماس، شوط، غریلر و روستاهای اطراف در مراسم تشیع جنازه سه تن از شهدای ترک که توسط تروریستهای کرد پزاک به شهادت رسیدند شرکت کردند. دو شعار این مراسم، زنده باد آذربایجان و یک نفر، هزار نفر، انتقام، انتقام است. در بیان اطلاعاتی نوشته شده که در این تظاهرات بیش از دو هزار نفر از فعالین حرکت ملی آذربایجان شرکت داشتند.»

سطور بالا خلاصه اطلاعاتی است در رابطه با تشیع جنازه سه تن از نیروهای پلستار جمهوری اسلامی که در درگیری با نیروهای مسلح پی کا کا کشته شده اند. بنا به همین اطلاعات حرکت ملی

آذربایجان از فعالین برگزاری این تجمع بوده است. یکی از شعارهایی که در این مراسم سر داده شده، «یک نفر، هزار نفر، انتقام، انتقام» است. نفس این اطلاعیه از طرف هر جریانی باشد تهدید به قتل عام مردم منطقه، تهدیدی آشکار علیه مدنیت، همزیستی، زندگی و منافع مشترک مردمی است که به زبانهای مختلفی تکلم می کنند و نسل اندر نسل در کنار هم زندگی کرده اند. این جریانات قومی، فاشیستی خطر بزرگی برای آزادی و مدنیت جامعه ایران هستند. اگر امروز این چنین جهالت و تعصبات قومی را در میان مردم ترک زبان ماکو و سلماس باد می زنند و کینه قومی و ملی و نفاق را در میان مردم ایجاد می کنند، همین جریانات در فرآیند تغییر اوضاع طبق سناریوی دلخواهشان زیر سایه موشکهای کروز با اتکا به همین تمایلات و بر جسسته کردن هویت قومی و تبلیغ آن در میان مردم به عامل کشتار، جنگهای قومی تبدیل خواهند شد و حمام خون به راه خواهند انداخت.

مردمی که امروز به هر دلیلی و با از سر تعصبات قومی و با از سر درمانگی و توهم سر نوشت و آینده خود را به این جریانات قومی، فاشیستی گره می زنند، فردا خود اولین قربانیان پاک سازی های قومی خواهند بود که آنها براه خواهند انداخت.

تاریخ چنین جنایاتی را زیاد به خود دیده است، فاجعه یوگسلاوی، رواندا، عراق و قتل عام مردم شهر نقه و قارنا و قلاتان هنوز از

حافظه مردم پاک نشده است. تاریخ نشان داده که احزاب ناسیونالیست و قوم پرست ذره ای به منفعت واقعی مردمی که خود را قیوم آنها می دانند نداشته و همیشه با پوشش مبارزه برای رفع ستم ملی، تلاش کرده اند به خواست و مبارزه مردم رنگ قومی بزنند و بر کرده مردم سوار شوند و آنها را در حصار ستم ملی نگه دارند. این احزاب در شکاف بین دول منطقه ابزار فشار یکی بر دیگری و مشغول بند و بست و سازش با این حکومت ها از بالای سر مردم بوده اند.

پزاک، حزب دمکرات کردستان ایران، شورای مرکزی جنبش، فدرال دموکرات آذربایجان، سازمان زحمتکشان، حرکت ملی آذربایجان همگی در این صف قرار دارند و شعار همه آنها برای آینده ایران فدرالیسم قومی است. اخیرا جنبش فدرال، دمکرات آذربایجان طی نامه ای سرگشاده به احزاب ناسیونالیست کردستان ایران، از آنها ایراد گرفته و با درست تر، تهدید کرده که چرا شهرهای ارومیه و ماکو و سلماس را جز نقشه کردستان به حساب آورده اند و یادآوری کرده اند که این شهرها به آذربایجان تعلق دارند و این نوع الحاق کردن فردا ممکن است عواقب زیانباری برای منطقه داشته باشد. در این نامه قرارداد بین پیشه وری و قاضی محمد را در مورد مرزهای بین مناطق ترک و کرد نشین یادآور کرده اند!! فدرالیسم قومی یعنی همین که فردا همین جریانات بر سر تقسیم خاک و یک وجب زمین به

جان هم می افتند و مردم را به جان هم می اندازند. پرچم فدرالیسم، پرچم جریانات قومی و پاک سازی های قومی و عامل تفرقه و کینه و دو دستی در میان مردم هستند و به همین عنوان باید افشا و منزوی شوند.

با تشدید فشار آمریکا علیه ایران و بالا گرفتن احتمال حمله نظامی به ایران در چند ماه گذشته، احزاب و جریانات قومی و ناسیونالیستی جان تازه ای گرفتند و افق و آینده خود را تماما به دخالت آمریکا گره زده اند. اختصاص بودجه های کلان آمریکا برای «تقویت دموکراسی» در ایران، با هدف تقویت این جریانات و جریاناتی مشابه آنها صورت می گیرد. خطر این جا به طور جدی متوجه جامعه ایران است، که در صورت حمله نظامی آمریکا علیه ایران، جریانات قومی و فاشیستی بشدت تقویت خواهند شد و به عاملین تهدید مدنیت، خرابی و به مهره های سناریو سیاهی تبدیل خواهند شد. خطر حمله آمریکا به ایران، وجود احزاب و جریانات قومی فاشیستی و تروریسم اسلامی تهدیدی جدی علیه مدنیت و زندگی مردم ایران است و باید آن را جدی گرفت. بیست و پنج سال قبل قیام مردم برای آزادی و رفاه و مدنیت را با تقویت اسلام و ضد انقلاب اسلامی به خون کشیدند و با پشاندن رنگ مذهب به خواست و توقعات مردم، ارتجاع و حکومت مذهبی را به جامعه ایران تحمیل کردند. امروز دارند تلاش می کنند که این تاریخ به نوع دیگر تکراری شود. می خواهند این بار رنگ

قومی و ملی به اعتراض و مبارزه و توقعات مردم بزنند. این خطر واقعی است و باید تلاش کرد از این سناریو جلوگیری کرد.

مردم باید به این اوضاع آگاه و هوشیار باشند. مردم باید صف خود را از احزاب ناسیونالیست و قوم پرست جدا کنند. باید خطر را جدی بگیرند و از همین حالا به مقابله با آن برخیزند. صف خود را متحد کنند. آگاهی، اتحاد و سرنگونی جمهوری اسلامی به دست خود مردم عامل تعیین کننده در جلو گیری از سناریوی است که آمریکا و احزاب و جریانات قومی برای جامعه ایران دارند تدارک می بینند.

حزب حکمتیست بارها و به مناسبتهای مختلف این خطر را به مردم گوشزد کرده است. برای مقابله با این سناریو باید متحد شد. باید در مقابل تبلیغات و تعصبات قومی، همزیستی و هم سرنوشتی انسانها را تبلیغ کرد، باید در مقابل هویت قومی و ملی، هویت انسانی را تبلیغ کرد، انسانها خارج از تعلقات مذهبی، قومی و رنگی انسانند و می توانند در کنار هم برای آزادی و رفاه مبارزه و زندگی کنند. برای دفاع از امنیت خود و مدنیت جامعه و در مقابل تهدید این جریانات، باید در محلات و هر جا که ممکن است متشکل شد و گارد آزادی را تشکیل داد. چاره ای نیست باید به مصلحت این اوضاع رفت.

۱۰ آوریل ۲۰۰۶

گانگستر بازی موقوف!

میان مردم رسوا کنید. در مقابل اینها بایستید. سران زحمتکشان باید بفهمند گانگستر بازی موقوف!

دبیر خانه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

22 فروردین ماه برابر با 11 آوریل 2006

اند که ما میگفتیم سازمان "خوشنام" زحمتکشان به آن دست میزند. با اینکارها دارند بیشتر ماهیت واقعی خود را رو میکنند. اینها کور خوانده اند. با گانگستر بازی نمیتوانند راه به جایی ببرند. محمد سیف و رحمان بیله هر چه زودتر باید آزاد شوند. فضای سیاسی و انقلابی جامعه کردستان ایران و ما و مردم اجازه ادامه چنین روشهایی را به آنها نمیدهیم گانگستر بازی را از اینها قبول نکنید. سران این جریان را در

اردوگاه خود برده و زندانی کرده اند. در ضمن به چند نفر دیگر از مخالفین سیاسی خود زنگ زده و آنان را تهدید کرده اند. لازم به یادآوری است این دو نفر قبلا در صفوف آنها بوده و بعد از پی بردن به ماهیت سیاسی این باند از آنها جدا شده اند. لمپنیسم و گانگستر بازی علیه مخالفین سیاسی و کسانی که صفوف این جریان سیاه را ترک میکنند، باج گیری و تهدید مردم، ترور شخصیت و قلداری از روشهایی بوده

طبق اخبار رسیده دو نفر از مسئولین باند زحمتکشان، عبدالله کهنه پوشی (ع به دلیر) و بهرام رضایی همراه عده ای از افراد این باند به خانه های مخالفین سیاسی خود که در شهر سید صادق کردستان عراق زندگی میکنند یورش برده و دو نفر را به اسامی محمد سیف و رحمان بیله اهل مریوان دستگیر کرده اند. آنها بعد از کتک زدن و ضرب شتم شدید این دو نفر آنان را به

خصلت ارتجاعی شعار فدرالیسم و عواقب سیاسی و اجتماعی فوق العاده زیانبار آن برای مردم و جامعه بسیار عیان است. فدرالیسم به معنای تقسیم قومی رسمی مردم کشور و تراشیدن هویت های ملی و قومی کاذب برای مردم صدور شناسنامه های قومی برای میلیون ها انسانی است که در ایران زندگی و کار می کنند. فدرالیسم به معنای عقب کشیدن خودآگاهی سیاسی مردم و فرهنگ سیاسی جامعه و پرجسته کردن قومی گری و نژادپرستی در ذهنیت مردم و نهادها و قوانین اجتماعی است. فدرالیسم به معنای رسمیت دادن و تعمیم بخشیدن به تبعیضات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی میان مردم برحسب پرچسب های ملی و قومی، پاکسازی های قومی در مناطق مختلف کشور، رهبر تراشیدن از میان مرتجع ترین احزاب و افراد برای مردم مناطق مختلف و به عقب راندن جنبش ها و نیروهایی است که برای یک کشور سکولار غیرمذهبی و غیرقومی و برابری همه اهالی کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش می کنند. شعار فدرالیسم نسخه ای برای ایجاد عمیق ترین شکاف ها و تفرقه های قومی در صفوف طبقه کارگر کشور است. شعار فدرالیسم شعاری ضد کارگری و ضد سوسیالیستی است.

منصور حکمت

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!